



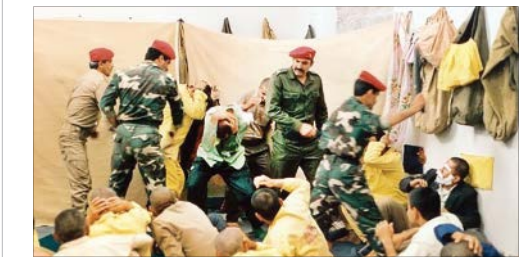
بازخوانی محله‌های قدیمی تهران

گفت‌وگو با رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس پیرامون واکنش‌های غیرکارشناسانه در حوزه اختیارات ساترا

اظهار نظرهای متناقض به فضای امن فرهنگی صدمه می‌زند

مروری بر خطرات و جذابیت‌های هنر نمایشی در اسارت

دستان خالی تئاتر کشور برای آزادگان



در گفت‌وگو با «جام جم» با کیانوش گلزار راضی، نویسنده آزاده عنوان شد

نفوذ در دل دشمن فضایی جدید در ادبیات دفاع مقدس

روایت مدیرعامل انجمن اهدای عضو از باورهای غلطی که در اهدای عضو وجود دارد

مرگ مغزی به حیات بر نمی‌گردد



چرا فیلم‌های اندکی درباره آزادگان ساخته شده است؟

اسارت در غربت سینما

مروم ابوتالیبی در پشت صحنه فیلم «فرار از اردوگاه»

گزارش

نگاهی به سوژه نقش ستون پنجم در سخت شدن دوران اسارت

جنگ با نفوذی‌ها ادامه دارد



و به جای فرمانده و نگهبان‌ها هم بگذاریم آمریکا و ایادی‌اش بی‌دلیل نیست رهبر انقلاب خطر نفوذی‌ها را همیشه گوشزد کرده‌اند و متأسفانه فریادشان از سادگی و بی‌بصیرتی تعدادی از مسئولان در این رابطه به آسمان بلند است. سیدمجید ابوالحسنی در پایان مطلب خود نحوه رفتار و برخورد اسرا با نفوذی‌ها را نیز یادآور می‌شود: «عملیات شناسایی جاسوس‌ها زمانی که جرم‌شان به ارشد و دیگر افراد صاحب‌نظر در آسایشگاه ثابت نمی‌شد به‌طور پنهانی ادامه پیدا می‌کرد. پس از آن نوبت محاکمه فرد می‌رسید. اگر خود شناسایی شده از عراقی‌ها یا منافقین بود باید اردوگاه را ترک می‌کرد والا کشته می‌شد. اگر یکی از اسرای قدیمی بود معمولاً توبه می‌کرد و اجازه می‌یافت تحت نظارت بقیه در بین ما بماند اما زندگی میان کسانی که دیگر به او اعتماد نداشتند خیلی سخت بود. باید با رفتارش می‌توانست دوباره یکی از ما شود.»

اگر آزادگان عزیز ما نمونه‌های انسان‌های متعالی شده‌اند باید دلیل آن را در رفتار، کردار و اعمال ایشان جست‌وجو کرد. تقید به انجام تکالیف دینی از ویژگی‌های اسرای ایرانی در اسارت بود. آنان برای هر کاری رضای خداوند متعال را در نظر گرفته‌اند و عمل به تکلیف را وظیفه خود می‌دانستند. آنها حتی برای مجازات جاسوسی که جرمی غیرقابل بخشش مرتکب شده بود، خود را موظف به کسب تکلیف می‌دیدند. در پایان باید گفت که دنیای اسارت، مشحون از وقایع اتفاقیه بود که هر کدام از آن رویدادها و اتفاقات، نیازمند بررسی عمیق‌تر و پژوهشی گسترده‌دارد.

نکته اینجاست که الطاف خداوند از جمله دل خوش داشتن و خویشتن را به زمان سپردن راهم درس داشتند و دشمن این را نمی‌دانست یا متوجه تأثیر عمیق درونی آن نمی‌شد. خداوند لطف بی‌حد و حصرش را نصیب کرد و دانامردی هم چون سیدعلی اکبر ابوتالیبی را به دنیای اسارت ارزانی داشت تا راه

نفوذ، نفوذی، کلیدواژه سخنان و فرمایشات رهبر معظم انقلاب از سال‌های گذشته تاکنون است. ایشان بارها خطر نفوذی‌ها و صدماتی که آنان می‌توانند به جبهه حق وارد آورند را گوشزد کرده‌اند و بارها خطر خارج شدن نهضت امام خمینی (ره) از مسیر خود توسط افراد نفوذی را یادآور شده‌اند. وقتی خاطرات آزادگان درباره دوران اسارت را می‌خوانیم انگار ترجمان سخنان ایشان است. خاطرات آزادگان، خطر نفوذی‌ها را بر ایمن تصویرسازی کرده‌اند تا فرمایشات ایشان را بهتر بفهمیم، درک کنیم و با نفوذی‌ها به مقابله بپردازیم.

نفوذ و نفوذی از گذشته‌های دور بوده، هست و خواهد بود. نفوذی بزرگ‌ترین خطر برای جبهه حق است و بدترین آفت برای عدالتخواهانی است که می‌خواهند در برابر استکبار ایستادگی کنند. یکی از شیوه‌های دشمنان نظام اسلامی و مردمی، نفوذ در صفوف مستحکم آن و ایجاد رخنه در این دژ تسخیرناپذیر است. اگر نسبت به این خطری تفاوت نباشیم، این رخنه و نفوذ کم‌کم به شکافی عمیق تبدیل می‌شود که نظام جمهوری اسلامی را به دره نابودی سوق خواهد داد.



امیرحسین دهقانی نویسنده و پژوهشگر

شناخت نفوذی سخت و دشوار است، به همین دلیل عواقب و پیامدهای مخرب آنان نیز بیشتر است. زیرا شناخت نفوذی نگاه تیزبین و چشم بصیرت می‌خواهد. نفوذی در لباس خودی در تمامی طبقات جامعه و حاکمیت حضور پیدا می‌کند و با حرکت‌های خزنده و محرمانه، نهضت را بنام می‌کند و به بیراهه می‌کشاند. امروز به دلیل تخلف، راه ورود افراد نفوذی بازتر شده و خطر آنها نیز بیش از پیش احساس می‌شود. بی‌دلیل نیست که فریاد رهبر انقلاب از دست استکبار و نفوذی‌ها و انقلابیون ساده‌لوح و رفتارهای ساده‌انگارانه مسئولان امرو بی‌توجهی آنان به آسمان بلند است.

آزاده سرفراز سیدمجید ابوالحسنی در کتاب خاطراتش با عنوان «جنگ در پشت میله‌ها» بخشی را به افراد نفوذی اختصاص داده است. در این بخش که عنوان نفوذی‌ها را دارد وی در ابتدای مطلبش به تأثیر دوستی‌ها در روزگار اسارت اشاره می‌کند: «سال‌های اسارت در بین حصارهای بلند انبار و سال‌های دوری از وطن با تمام رنج‌ها و تلخی‌هایش خیلی زود به ما طعم شیرین رفاقت را هم موخت. دوران اسارت برای هر کدام از ما فرصتی بود تا درک کنیم اتحاد و احساس همدردی نسبت

در اتاق شاعر

ضرورت شناخت ذهنیت مخاطب در ادبیات

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم طنز ناخوسته مهم‌ترین چالش شعر در دوران معاصر است. شرح ماجرا این گونه است که کلمات دنیای جدید در همنشینی با کلمات رایج شعر فارسی جان نمی‌افتند و خوش نمی‌نشینند و نوعی سبکی و طنز ایجاد می‌کنند. بخشی از این ماجرا به دلیل موسیقی متفاوت کلمات مدبر و اتفاق می‌افتد و بخشی هم حاصل تلاقی جهان‌ها و فضاها نامتجانس است و این عدم تجانس



علی محمد مودب شاعر و نویسنده

و تناسب در ساختار شعر به چشم می‌آید و گل درشت به نظر می‌رسد. مخاطب فارسی زبان شناختی از شعر دارد که در طول قرن‌ها شکل گرفته است. غالب نمونه‌های شاخص شعر فارسی که میانگین و برآیند آنها تصور اهل زبان از شعر را می‌سازند در استفاده از کلمات رفتاری نسبتاً مشابه هم دارند که در طول قرن‌ها به آرامی تغییر کرده است. شاعران اگر بدون آگاهی به این ماجرا تن به میدان خلاقیت بزنند حاصل کار آنها در بیشتر موارد دچار گسست‌های موسیقایی و محتوایی و شکست‌های سطح عاطفه شعر می‌شود. در ارتباط‌گیری با مخاطب عام نیز دچار بحران می‌شوند. علت نداشتن اقبال به شعر بسیاری از شاعران خلاق ما در عموم مردم همین مسأله ساده است. شاعران خلاق، مست و مسحور خلاقیت و تمرین‌ها و تجربه‌های خود بوده و متوجه ذهنیت مخاطب نیستند. به همین دلیل دچار بحران اثرگذاری و نفوذ خودشان به کار می‌گیرند و عملاً میدان‌داران شعر جدید روزگار خودشان می‌شوند. اگر مراکز آموزشی و هنری ما هشیاری نسبت به مخاطب را به خلاق‌ترین عناصر جوان میدان شعر آموزش بدهند این ماجرا تفاوت جدی خواهد کرد. شاعران خلاق می‌توانند ضمن تمرین‌ها و تجربه‌های جنون‌مندانه دستنی هم در دست مخاطب و ذهنیت تاریخی او از شعر فارسی داشته باشند تا میدان را به استعداد‌های محافظه‌کارتر و انکارکنندگان شناخت جامعه مخاطب روز و ذهنیت او از هنری که ما به آن علاقه‌مندیم شاید به همان اندازه شناخت مبانی و روش‌ها و میراث آن هنر اهمیت داشته باشد. اگر شعر این مهم‌ترین هنر ما ایرانیان، به عنوان یک هنر و یک کشف خلاق آموزش‌دهنده و دانش‌دهنده در آموزش عالی کشور داشته باشد یکی از مهم‌ترین واحدهای درسی آن، باید شناخت ذهنیت مخاطب و بررسی نمونه‌های پرنفوذ شعر در زندگی مردم معاصر شاعر باشد. به بیان دیگر همان‌قدر که شاعر بودن و احاطه به میراث شعر در شاعر بودن مهم است به همان میزان هم معاصر بودن و نگاه به زیست فرهنگی مردمی که شاعر با آنها همسخن می‌شود در موفقیت مأموریت شاعرانه او اهمیت دارد. در همه هنرها هم البته قسه همین است. چیزی که متأسفانه با وجود بدبختی بودن نادیده گرفته می‌شود. حتی در تلویزیون و رادیو آثاری تولید می‌شود که هیچ‌نگاهی به مخاطب و جهان و مسأله‌های او ندارد و طبیعی است که چنین آثاری سرنوشتی جز عدم اقبال مخاطب و شکست نخواهد داشت و خنده‌دار به نظر می‌آید.

برش

عملیات شناسایی

ابوالحسنی در ادامه به یکی دیگر از اقدامات افراد نفوذی اشاره می‌کند که بزرگ‌ترین خطرها را برای اسرا داشت و آن هم شناسایی رهبران و مدیران اسرای ایرانی در اسارت و اردوگاه‌ها بود: «یکی دیگر از کارهای افراد نفوذی شناسایی کسانی بود که رهبری اسرا را برعهده داشتند. روال معمولی به این شکل بود که اسرای تازه‌وارد از میان تونل سربازهای عراقی می‌گذشتند و بعد در اتاق‌ها تقسیم می‌شدند. بابت شناسایی در راه رفتن نگهبان‌ها، سراغ مجروحان می‌رفتیم و زخم‌هایشان را مرهم و به آنها خوشامد می‌گفتم اما در این حال مراقب بودیم حرفی نزنیم که در سراساز شود. زیرنامی دانستیم چند نفوذی جدید همراه تازه‌وارد‌ها به اردوگاه آمده‌اند.»

هرچند اقدامات نفوذی‌ها برای اسرای ایرانی بسیار خطرناک و دارای پیامدهای تلخ و ناگوار بود اما اسرای ایرانی نیز با فعالیت‌شان کوشش داشتند ضمن خنثی کردن اقدامات آنها نفوذی‌ها را مورد شناسایی قرار دهند که البته این کار از عهده هر کسی بر نمی‌آمد.

ابوالحسنی در این ارتباط می‌گوید: «کارشناسی نفوذی‌ها با دقت خاصی انجام می‌گرفت. بعضی بچه‌ها که در جبهه جزو نیروهای اطلاعاتی بودند بهتر از پس شناسایی برمی‌آمدند. ارشد آسایشگاه همان روزهای اول به افراد جدید می‌گفت که نباید هیچ‌وقت بدون هماهنگی با عراقی‌ها صحبت کنند. هر ارتباطی تنها از طریق ارشد صورت می‌گیرد تا باعث سوءنظن یا تهمت نشود. این خود روشی بود برای شناسایی نفوذی‌ها که سعی می‌کردند پنهانی اخبار داخل آسایشگاه را به عراقی‌ها برسانند و زمانی که دست‌شان رو می‌شد دلایل برای توجیه نداشتند. البته جاسوس‌های عراقی تنها کسانی نبودند که باعث لو رفتن کارهای مخفیانه ما می‌شدند بلکه فرمانده اردوگاه و نگهبان‌ها روی اسرای که ایمان و روحیه مقاومت ضعیف‌تری داشتند، دست می‌گذاشتند و متأسفانه گاهی موفق می‌شدند آنها را به سمت خودشان بکشند. شناسایی این افراد خیلی مشکل‌تر از پیدا کردن نفوذی‌ها در میان اسرای تازه‌وارد بود.»

همگان را روشن سازد و راه بیگانه و نفوذ در بین اسرا را بنست. راه معنویت را در پیش گیرند و برای جلوگیری از کید دشمن، سپر دفاع معنوی بسازند. سال‌هاست که جنگ خاتمه یافته اما تا زمانی که قطره خونی از زخمی می‌چکد، جنگ ادامه دارد. گاهی با ابزار نفوذ و گاهی با ابزار نرم و فرهنگی، جنگ ادامه دارد و ما ایستاده‌ایم.